

مَنگ اوْ بامئنگ غنزلاری

یازان:

آمنه طریقی «تورکمن غنزی»

ویراستار: منصور طبری

مازندران - بهشهر

۱۴۰۰

سرشناسه: طریک، آمنه، ۱۳۵۲-
 عنوان و نام پدیدآور: منگ اوبامنگ غنزلای/بازان آمنه طریک؛
 مشخصات نشر: ویراستار منصور طبری.
 مشخصات ظاهری: گرگان: قلم صحرا، ۱۴۰۰.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۵۸-۰۲-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر ترکمنی -- ایران -- قرن ۱۴
 ۲۰th century -- Turkmen poetry -- Iran
 شناسه افزوده: طبری، منصور، ویراستار
 رده بندی کنگره: PL۳۳۴
 رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۴۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۵۳۵۵۵
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



۹۱۹۴۸۰۵۴۹۷-

nashrghalamesahra@gmail.com

انتشارات قلم صحرا

نام کتاب: منگ اوبامنگ غنزلای

مؤلف: آمنه طریک

ویراستاری: منصور طبری

تعداد صفحه: ۱۰۴، قطع: وزیری، شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰ چاپ و صحافی: گاندی

صفحه آرائی: میرزاعلی قزل

ناظر چاپ: میرزاعلی قزل

isbn:978-622-5658-02-8

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۵۸-۰۲-۸

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

«صاخئپالار و غۇشغولار دۆزگۆنى»

۱۰	مقدمه
۱۲	سۆزباشى
۱۳	خاطره
۱۵	يادلاما
۱۷	بيوگرافى شاعر
۱۸	شاهنراننگ بيوگرافىياسى
۱۹	* اوزاق غۇشغولار
۲۰	انه
۲۱	آتام
۲۳	پالويخ آتام
۲۴	غايىن انه
۲۶	ماغتنمغولى
۲۷	پتراغى
۲۹	ايىل تويى
۳۱	موغالتىم
۳۲	اوسسادىم (منصورطبرى «تۆركمن اوغلى» شاهنرانگ شانئنا)
۳۴	دوزاغدا دۆش كچىدر
۳۶	اوسسادلار
۳۷	صحرانم
۳۹	عزىزلىم
۴۱	غانىم بۇلماسنى
۴۲	يالان آزالار
۴۴	ظالئما باتار بىرگۆن
۴۵	باھار سن
۴۶	گلسه نۆوروز
۴۷	اۇغلان و غنىر
۴۹	ناز بىلىن
۵۰	دۆيشۆمدە گۆردۆم
۵۱	سۆيگت - دىرگىم
۵۲	اۇيانمازمى
۵۳	دوراسنىم گلبار
۵۴	منىگ اۇبامنىگ غنىرلارى
۵۶	غونچا
۵۷	صحرانمىزنىگ گلبىنلرى
۵۹	صحرانمىزنىگ يىگىتلرى
۶۰	غوتلى بۇلسون تۇيۇنگىز

۶۱	گۆنۈم ھابىسى
۶۲	يازار غالامىم
۶۳	يازاسىم گىليار
۶۴	دوينغولارنىم
۶۵	آرزوو
۶۶	ياتان اتمەگىل
۶۸	غالماز آرمان
۷۰	چاغاتىق
۷۲	اۋغلان
۷۴	شۇل گىلىن
۷۶	تېلكىچىك
۷۷	اۋىداقنى غونگشولام
۷۹	سىلده غالان صحرام
۸۰	سىلده غالان صحرامنىڭ تېرجىمەسى
۸۱	تېلگرام
۸۲	غىشقى دۇرتىسىم
۸۳	مىنگ اۋىمانىڭ يېگىتلىرى
۸۵	كۈرۈنا
۸۷	غىز و اۋغلان

۸۹	※ غىسغا غۇشغولار
۹۰	ياز گىلىسىن
۹۰	گىلىسە
۹۰	سۈنمەسىن
۹۰	سايراسىن
۹۰	غالاسىم گىليار
۹۱	ياد يىرلرە
۹۱	غۇراغ
۹۱	گۆرك
۹۱	بۇرجومىز
۹۱	يېتىرسىن
۹۲	اۋىتوماغىن بالام
۹۲	پىس پال
۹۲	يۇرتىسىم دىيىپ
۹۲	مىلھىم
۹۲	درد گۆرن انە
۹۳	اۋىسادىنما
۹۳	ايراللىق
۹۳	اۋزۈنە
۹۳	آچىلان گۆل

۹۳

ھۆر بۆلۈپ

۹۴

تۆركمېنىگ

۹۴

عئىشق غادرئىن بېلىسنە

۹۴

گۆرگىم

۹۴

يۇلداشنىگ

۹۵

غادر دانلىق

۴

۴

www.ketab.ir

مقدمه:

در دوره‌های مختلف تاریخ تورکمن‌های ایران (تورکمن‌صحرا) در زمینه‌ی ادبیات تورکمن، زنان و دختران با عنوان شاعر و نویسنده، فعالیت‌های اندکی داشته‌اند و انگشت شمارند. این قشر از جامعه‌ی تورکمن‌ها بعضاً به دلایلی، کمتر قادر بوده که در این عرصه فعالیت نمایند. در هر صورت جای تأسف دارد که نیمی از افراد جامعه که باید سهم بزرگی در رشد فرهنگ و هویت یک ملت داشته باشند، مشارکت کمتری دارند. زنان حافظان زبان هستند و اگر این قشر از جامعه در عرصه‌ی فرهنگ و ادبیات تورکمن گام بردارند، شاهد شکوفایی زبان مادریمان خواهیم بود. چرا که فرزندان از بدو تولد تا چندین سالگی در آغوش مادران و با لایلی‌های آنان بزرگ می‌شوند و از او الهام می‌گیرند و کودکان اگر در این سنین، زبان مادری خود را به خوبی فرا گیرند، هرگز فراموش نخواهند کرد و در انتقال آن به نسل‌های آینده نقش اساسی خواهند داشت.

در کشور عزیزمان، به دلیل اینکه زبان تورکمنی در مدارس تدریس نمی‌شود، شعرا و نویسندگانمان در عرصه‌ی ادبیات تورکمن، با توجه به استعدادهای ذاتی خود و با اخلاصی که برای حفظ زبان دارند آثار خود را به مردم و سرزمینشان تقدیم می‌نمایند. با توجه به مشکلات موجود و در چنین شرایط دشوار، خانم آمنه طریک شاعر با استعداد و توانمند تورکمن، با آثار زیبای خود در جهت تحکیم زبان مادریشان پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشته و نظر مردم تورکمن، بخصوص زنان و دختران را به آثار خود جلب نموده است. احساسات پاک خانم طریک در آثارش نفوذ کرده و آنرا تقدیم سرزمینش می‌کند.

احترام شدید او نسبت به سرزمینش، زبان مادریش، مردمش و مخصوصاً به زنان و دختران جامعه، در آثارش موج می‌زند. من سروده‌ها و نوشته‌های این شاعر گرانقدر را یک به یک مطالعه کردم و با تفکرات وی از نزدیک آشنا شدم و به احساسات پاک او نسبت به ادبیات تورکمن آفرین گفتم و به این باور رسیدم که زنان و دختران صحرا از آثار او الهام خواهند گرفت. خانم طریک اشعار خود را در قالب کلاسیک با هجاهای مختلف سروده است. موضوع‌های مختلف و برجسته که در جامعه وجود دارد را انتخاب کرده است.

از برخی ناملايمات انتقاد نموده و به تفکرات مختلف احترام قائل بوده است. او اعتقاد دارد که برای رشد جامعه، باید از پتانسیل همه‌ی تفکرات موجود استفاده کرد. وی به خوبی توانسته است افکار روشنفکرانه‌ی خود را در آثارش به نمایش بگذارد. برای زنان و دختران حقوق مساوی با مردان را آرزو نموده تا این قشر از جامعه بدون تبعیض، پایه‌پای مردان رشد نمایند. خانم آمنه طریک علاوه بر سرودن اشعار، قلم خود را در رشته‌ی نویسندگی و داستان‌سرایی آزموده است. علاوه بر کتاب شعر خود با عنوان: «مینگ او بامنگ غزلاری» «دختران روستای من» (که نام یکی از اشعار اوست، به توصیف دختران روستای خود پرداخته و به

احترام آنها، نام کتاب خود را نیز به همین نام انتخاب کرده است). کتاب داستان خود با عنوان: «عاشق بۆرگۆت و سۆلگۆن غنر»، «عقاب عاشق و دختری به نام سۆلگۆن» را به مردمش تقدیم می‌کند. به نظر من آثار این بانوی شاعر و نویسنده‌ی روشنفکر تورکمن، الهام بخش نسل جوان امروز و آینده به خصوص زنان و دختران صحرا خواهد بود و در آینده تأثیر خود را در ادبیات تورکمن به یادگار خواهد گذاشت. اینک زمان آن فرا رسیده است که افراد جامعه، با عقل و درایت به میدان آمده و بر مشکلات خود فائق آیند.

در پایان، از تمام کسانی که در جهت اعتلای فرهنگ تورکمن گام برمی‌دارند، خواهشمندم آثار با ارزش این بانوی شاعر و نویسنده‌ی تورکمن را مطالعه و نظرات مفید و با ارزش خود را بیان فرمایند. همچنین برای خانم آمنه طریک طول عمر با عزت و آرزوی توفیق بسیار دارم و امیدوارم همیشه، قدمشان مُستدام و قلمشان مُستمر باشد.

منصور طبری

گلستان - گنبدکاووس - ۱۴۰۰

www.ketab.ir

سۆز باشى:

ايران تۆركمەنلىرىنىڭ (تۆركمەنصحرائىنىڭ) دۆرلى دۇۋورلىرىنىڭ تارتىشىدا، زىننات شائىرلار و يازىچىلار كۆپ دال. ساناسانگىز، بارماق لارنىڭ سانىدىن گېمىيار. اگر تۆركمەن دىلىيە يازىيان شائىرلارنىمىز و يازىچىلارنىمىز كۆپلىسە، انە دىلىمىزنىڭ اۋسىمگىنە كان ياردام بىرلىك، سىبايى چاغلارنىمىز انەدن دۇغوپ تا بىر ياشا يىتىنچا، انەسىندىن انلخام آلپ، غورساغىندا ياشاپ، تاثير آليارلار. زىنناتلار و انەلەر ناچە اۋز انە دىلىيە و تۆركمەن ادبىياتىنا انقچام بۇلسالار، شۇنگا گۇرا دە چاغلارنىڭ دىلى پوغتالانپ، گلىك نىسلىلرئىمىزە ساپاق بۇلۇپ، دىلىمىزنىڭ بايراماغىنا سىباپ بۇلۇپ بىلر.

بىزىنىڭ غىزىز يوردومىزدا، تۆركمەن دىلىيەدە مېكىپ بۇلمانسانگ، شائىرلارنىمىز و يازىچىلارنىمىز اۋز اخلاصى و اوقىنى بىلن ادبىيات مېدانىندا، اۋز ائىرلىرىنى آرا آتپ ايل اۋچىن آادا اديارلر. شىلە بىر قىتن ياغداىلاردا، دىھىنلى و اوقىنلى شائىرلار و يازىچىلار دۇغانىمىز انەنە طرىك دە اۋز ائىرلىرىنى تۆركمەن دىلىيەنىڭ بايلىقى بىلن بۆتىن تۆركمەن ايلىمىزنىڭ، انلايتا-دا گلىن-غىزلارنىمىزنىڭ اۋسۇنە چىكار. انە شائىرلار، انچمە غۇشغولارنى تۆيس يۆركىن ايلىيە ھۇدۇرلاپ، آراسىا يۆرك دويغولارنى غۇشغولارنى و يازغىلارنى سىنگىدىرىپ باشارىپدىر. تۆركمەن ايلىيەنە حاص-دا گلىن-غىزلارلار صارىا غۇيشونى، اۋتونىڭ غۇشغولارنى و يازغىلارنى شايدىدىر.

من بو دۇغانىمىزنىڭ ائىرلىرىنى اۋتاپ، دويغولارنى بىلن ياقىندىن تانىش بۇلدوم. اۋتونىڭ تۆركمەن ادبىياتىنا گۇركىن اخلاصىنا بىرلىك بىرلىك و اۋتونىڭلار حاص-دا گلىن-غىزلارنىمىز، شائىرلارنىڭ دۇرىن ائىرلىرىدىن انلخام آلچاق لارنى گۆز يىتىردىم. شائىرلار انەنە طرىك كلاسىك غۇشغولارنىڭ دۆرلى-دۆرلى بۇغونلارنىدا غۇشنى غۇشوپدىر. ماضىمۇنلارنى غۇۋى سايلاپدىر، دۇۋورنىڭ طالابىنا گۇرا ائىر دۇردىپىدىر. كا بۇلار بۇلماز ياغداىلاردا تانقىد اديپىدىر.

دۇنيا غارايىشى، بىر پىكىرە حاصلانمايدىر. كۆپچۆلىكىدە ھەممە پىكىرلەر مېدان بىرپىدىر، غۇشغولارنىڭ اچىق و ايدىنىڭ پىكىرى بىلن بىرپىدىر. عايال و ارىكلەر دىگلىك آرزو اديپىدىر.

شائىرلار انەنە طرىك غۇشنى ائىرلىرىدىن باشقا، حكايا و دىسان يازماغىنا-دا اۋزىنى سىنلاپ گۇربار. غۇشنى ائىرىدىن آيرى «عاشق بۆرگۆت و سۆلگۆن غىز» دىلى دىسانىنى-دا اۋز ايلىيە ھۇدۇرلاپ. غۇشنى ائىرىنىڭ دىلى «مىنگ اوبامىنىڭ غىزلارنى» دىر. (بو غۇشغوسىندا اۋز اۋباسىنىڭ غىزلارنىڭ واصلپ اديپ، سىنلاپ، كىتابىنىڭ دىلى-دا، اۋلارنىڭ حورماتى اۋچىن داقىيار). بو ائىر، تۆركمەن ادبىيات سۇير گلىن-غىزلار، يىگىنچىكلەر و بىگىتلىرىمىزە انلخام بىرپى بىلر.

شائىرلار انەنە طرىكنىڭ غۇشغولارنى و يازغىلارنى اۋتونىڭ اوقىنلى، اچىق دىھىنلى و پاىخاسى بىلن، تۆركمەن ادبىياتىنىدا يادىكارلار دىيىپ اومىد اديارىن. مىنىڭ پىكىرىمچە، ايدى گلىن-غىزلار و زىنناتلار ايش باشارماز دىيىپ پىكىرلر، آرامىزدا بىرى يۇقدور. غۇى اچىق، ايدىنىڭ پىكىرلر مېدانلر گلىس، سىبايى گلىك دۇۋورلىرىنىڭ قىنچىلىق لارنى، عاقتل-پاىخاس بىلن چۇزۇلر.

سۆزۈمىنىڭ سۇنگوندا تۆركمەن دىلىيەنىڭ جان كۇيرلىرىدىن تۆيس يۆركىن حايىش اديارىن شو كىتابى اۋتاپ، اۋز دىگىلى، ناظارلارنى آيتىسنىلار، ھەم-دە شائىرلار انەنە طرىكنىڭ المىداما جانى ساغ، باشى دىك و غلامى يىتى بۇلماغىنى آرزو اديارىن.

منصور طبرى

گۆلۆستان - كۆمىت - ۱۴۰۰

«خاطره»

هنگامی که جهت چاپ کتاب شعر و کتاب داستانم اقدام می‌کردم، چندین خاطره از دوران کودکی و نوجوانی‌ام، در ذهنم تداعی گردید. به همین جهت یادآوری آن خاطرات را در این نوشتار، به طور اختصار مناسب یافتم و توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌کنم.

زمانی که کودکی نه ساله بودم توانستم با کمک مرحوم پدر مهربانم، خواندن متون تورکمنی با خط عربی را بیاموزم. علاقه‌ی زیادی که به آموختن زبان تورکمنی داشتم باعث می‌شد که پدرم همیشه به من افتخار کند. گاهی اوقات کتابی را که مطالعه می‌کرد به من نشان می‌داد و می‌گفت: دخترم! من این کلمه را نمی‌توانم بخوانم، آیا تو می‌توانی بخوانی؟ من هم هر طور شده آن کلمه را می‌خواندم و او هم با آفرین گفتنش مرا تشویق می‌کرد. در آن دوران هرگز به فکرم خطور نمی‌کرد که پدرم با اینکه اشعار کلاسیک شاعران برجسته‌ی تورکمن همچون مختوم‌قلی فراغی، کمینه، مسکین قلیچ و محتاجی را به خوبی می‌خواند، چرا از من می‌خواست که برایش بخوانم. در هر صورت در چنین شرایطی بود که من هم به اشعار این بزرگان علاقه‌مند و از نزدیک آشنا شدم.

از اولین کتاب‌هایی که در نوجوانی به زبان تورکمنی مطالعه کردم کتاب‌هایی مانند داستان صایاد-همرا و داستان زوهره-طاهر بود. هر روز که از مدرسه به منزل برمی‌گشتم، سری به کتاب‌های پدرم می‌زدم. این کار برای من یک وظیفه‌ی مهم شده بود. در آن زمان علاوه بر اینکه آثار شعرای تورکمن را مطالعه می‌کردم، به آثار شاعران پارسی‌گوی هم علاقه‌مند بودم. اولین اثری که به زبان پارسی خواندم، اشعار بابا طاهر بود. اشعار این شاعر بزرگ پارس زبان باعث شد که من به اشعار پارسی هم علاقه‌مند شوم. در سنین هفده و هجده سالگی، برای اولین بار بود که قلمم، بر روی کاغذی سفید، که همانند سفیدی برف می‌درخشید، آنچه را که از درون وجودم و با تمام احساسم، به بیرون فوران می‌کرد، نقش می‌بست. هر کلمه‌ای که ثبت می‌شد، احساس می‌کردم که قلمی جادویی در دستم قرار دارد و این احساس برای من قوت قلب بود.

زمان سپری می‌شد و در طی آن سال‌ها با اینکه همه‌ی کتاب‌های پدرم را جمع‌آوری کرده و خوانده بودم، ولی همیشه احساس می‌کردم که کمبودی وجود دارد.

در آن دوران آرزو داشتم که از نزدیک با آثار شاعر معاصر و برجسته تورکمن، کریم قربان نفس آشنا شوم. در آن زمان، آثار کریم قربان نفس در میان تورکمن‌های ایران با الفبای عربی-فارسی چاپ نشده بود و اگر هم چاپ شده باشد شاید به علت پایین بودن سنم و مشکل تهیه کتاب، اطلاعی از آن نداشتیم. با اخلاصی که در آن سال‌ها داشتم، شروع به یادگیری خط کریل (خط روسی) نمودم. دو نمونه از آثار کریم قربان نفس را یافتم و از نزدیک آشنا شدم.

در یکی از روزها، اشعارم را نزد پدرم خواندم و نظرش را در مورد آنها پرسیدم. پدرم گفت: دخترم، به نظر من مضامین اشعارت خوب است، ولی احتمالاً در بعضی از ابیات آن، ایراداتی

وجود دارد، وزن‌ها و قافیه‌ها هم، گویا مناسب نیستند و ادامه داد که شعر گفتن آسان نیست و فنون مخصوصی دارد و اگر امکانش برایت فراهم باشد، در مورد اشعارت با کسی مشورت کن که با اصول و قواعد شعری آشنا باشد، به نظراتش هم توجه داشته باش و از وی آموزش ببین.

در طول سال‌ها که به سخنان پدرم فکر می‌کردم، شعری در میان جامعه‌ی تورکمن‌ها گسترش پیدا کرده بود که نظرم را شدیداً به خود جلب کرد و مرا هوشیار ساخت و تشویق کرد تا همه‌ی تلاش خود را در زمینه‌ی زبان مادریم، در طبق اخلاص قرار دهم و به من امید داد تا زبان مادریم را بیش از هر زمان دیگر حفظ نمایم. شعری که مرا به عنوان یک زن وارد عرصه‌ی جامعه‌ی شعری و ادبیات و فرهنگ تورکمن نمود، سروده‌ای با نام «انه دیل» بود که شاعر، آن را با تخلص «تورکمن اوغلی» سروده بود.

در آن سال‌ها که ما در همسایگی چند خانواده‌ی تورکمن در آپارتمانی در استان مازندران، شهر نکا زندگی می‌کردیم، یک نفر از آشنایان استاد منصورطبری به منزل یکی از همسایگانم به عنوان مهمان آمده بود و چون در مورد استاد طبری صحبت کرده بود، فرصت را مناسب دیدم و برای اینکه نظر استاد را در مورد اشعارم جویا شوم، تعدادی از شعرهایم را انتخاب و از مهمانی که آمده بود به شهر گنبدکاووس ارسال نمودم. بعد از سه روز، این مهمان تلفن نمود و شماره‌ی موبایل و تلفن منزل استاد طبری را داد و گفت که اشعار را نیز بدست وی رسانده است.

برای اولین بار از طریق تلفن با استاد آشنا گردیدم و نظر وی را در مورد اشعارم جویا شدم. استاد چهار قطعه از اشعارم را انتخاب و از نظر فنون و قواعد شعر تورکمنی، یک به یک ایرادات اشعارم را بیان کرد و من هم با علاقه‌مندی به نظراتش گوش داده و یادداشت نمودم. از همان روز، استاد طبری را به عنوان معلم و استادم برگزیدم. او از دانسته‌های خود به من نیز آموزش داد، قواعد و فنون شعر کلاسیک تورکمنی را هم از وی آموختم. سخن او را که مکرراً به من می‌گفت: بنویس، بنویس، اکنون وقت نوشتن شماس، همیشه در گوشم طنین انداز بوده و هر هنگام که شعری را شروع می‌کنم، یاد آن سخن افتاده و احساس می‌کنم که قلمم توانایی بیشتری در نوشتن پیدا می‌کند.

فقط در شعر نیست که استاد، مرا راهنمایی کرده بود، بلکه در زمینه‌ی داستان نویسی هم، مشوق من بود و همچنین با نوشتار صحیح زبان تورکمنی با عنوان رسم الخط جدید و خط لاتین، از طریق وی آشنا شدم.

آمنه طریک

مازندران - بهشهر - ۱۴۰۰

«يادلاما»

غۇشغولار ئىمى ھەم دە دىسان ئىمىنىڭ چاپ اتمىگىنىڭ اوغرونا دۆشمىدە، ياشلىغىنىمىدان بىر ناچە خاھىشلىرىم يادلامالار يادلىما دۆشىدى. شۇل سىياپ بىلەن غىنىغا سورتىدا، ئۇل يادلامالارنىڭ يازماغىنى مۇناسىپ گۆردۆم و اۇقۇنچىلارنىڭ اونسۇنە چىكىم اۋچىن تاييارلايدىم.

دۇقۇز ياشلى چاغاقام، تۆركىم يازوونى، عاراپ خاھىش بىلەن اۇقاماغنى، مەرحوم مەھرىبان اتامنىڭ كۈمكى بىلەن ياقىنىدىن تاننىش بۆلۈپىدىم. انە دىلىمە بار ائىخلاصىم، اتامى غاتى غوواندىرىدى. كۈ واغتلار اۇقاپ اۇتوران كىتابىنى مانگا گۆركىزىپ: غىزىم شو سۆزى اۇقاپ بىلىمىنى اۇتۇرىن، گۈل، سىن اۇقاجاق بۇل دىيىپ، مانگا يۆزلىنىدى. مەن دە ائىخلاص بىلەن اۇقارمىم و اتامدىن بىر كىلاسنىڭ اۆلەردىم. آد غازانان بىيىك كىلاسىك شاھىرلار ئىمىز ماغىنىمىنى پىنراغى، مۇلا كىمىنە، مېسىگىن غىلچى، مانتاچى يالى غولولارنىڭ غۇشغولارنى بىلەپ بار اۇقايان اتام، نامە اۋچىن كۈ سۆزلىرى اۇقاپ بىلىمىنى، مىندىن سۇرايدىن، آصلا عاقلنىم يىتمىدى. غاراض، مېم شىلە ياغداي لار بىلەن، بو اولولارنىڭ ائىرلىرىنە ھۆسچىگ بۆلۈپ، ياقىنىدىن تاننىش بۆلۈپ، ياشلىغىنىمدا ايلكىنچى اۇقان تۆركىم كىتابلارنى، سايد-ھەمرا و زۆھرە-شاھىر يالى دىسانلارنى. ھەر گۆن مەكىدىن كەلمە، اتامنىڭ تۆركىم كىتابلارنى باش اورماق، مانگا بىر اولى ئۆچ يالىدى، يەكە تۆركىم غۇشغولار دال دە، ايسىم كۈبىر يارس شاھىرلارنىڭ ائىرلىرى بىلەن دە ياقىنىدىن تاننىش بۆلۈپىدىم. يارس دىلىدە، ايلكىنچى اۇقان ائىرىم، بابا شاھىر ائىلى شاھىرنىڭ ائىرىدى. بو بىيىك يارس شاھىرنىڭ غۇشغولارنى، مىندە ياشلىقنى، يارس غۇشغولارنى اۇقاماغنى ايسىگ دۇرتىدى. اۇن يىدى، اۇن سىكىر باشا يىتمە، غلامىم، ايلكىنچى گۆك، يۆرگىمدىن جۇشۇپ، غاردان آق قاغىنىڭ يۆزۈدە يۇرۇپ باشلىدى. غلامىم جادىلانان يالى بۆلۈپ يۈرىشى، مېنىڭ ياش يۆرگىمە قوۋات بىر بۇردى. زامانىڭ كىچىشىنە گۆر، ھەر ياغدايدا، اتامنىڭ بار كىتابلارنى يىغىپ اۇقاسام، دا، اۇندا دا بىر كىچىلىك بار يالىدى. شۇل دۇۋۇردە، بىيىك شاھىر كرىم غوربان نېسىنىڭ ائىرى بىلەن ياقىنىدىن تاننىش بۆلۈپ، مانگا بىر آرزو بۆلۈپىدى. اۇل واغتلاردا، كرىم آغاننىڭ ائىرى، ايران تۆركىملىرىنىڭ آراسىدا عاراپ خاھىش كىچىرىلمەندى، بىلى دە كىچىرىلەن بۆلسە، دا، مەن غىز اۋغلان بۆلانسام، ھەم خاھارم يۇقىدى ھەم دە مانگا اۇل كىتابى، اېگىرىم قىندى. ائىخلاصا مىراد دىيىلىشى يالى، شۇل يىللاردا، كرىل خاھىشنى اۋورنىماگە باشلايدىم. كرىم آغاننىڭ ايكى سانى ائىرىنى تاپىپ، ياقىنىدىن تاننىش بۆلۈپ.

گۆنلەردىن، بىر گۆن، غۇشغولار ئىمى اتامنىڭ ياننىدا اۇقاپ، ناھارنى سۇرادىم، اتام: غۇشغولارنىڭ ماضىمۇنى غۇۋى، كۈتە بىر بىندى دۇغرى، يۇنە كۆپ بىندىلى ھەم ياللىنىش، ھەر بىر غۇشغونىڭ آغرامى دىگە بۆلمەلى، ئاپئىلالارنى جىيىس گەلمىلىدىر، بو ايش آنگىسات ايش دالدىر، سىن بو غۇشغولارنىڭ بىر بىلىمىلى شاھىرلار گۆركىزىپ، ناھارنى ھەم اونس بىرپ، يۇلۇنى اۋورنىملى بۆلارسىنىڭ غىزىم دىيىدى. مەن دە، شۇل يىللاردا، اتامنىڭ آيدان سۆزلىرىنە اۋىلانپ يۇركام، بىر غۇشغى، ايل آراسىدا ياپراپ،

مىنىڭ ئۆسۈمۈمى ئۆزۈمگە چىقىپ، ئۇياردى. ئانە دىلىمە بار ئاخلاصىمى ئۇنىڭ ئۆزىمگە ئارتىدى،
 غۇشنى مىداندا ھەم دە تۆركىمى مەنىيىتىنىڭ ئوغرىدا، زىنن ھۆكۈمىدە بىلىمى غايىم غۇشاپ،
 تەسىبە غۇيان «تۆركىمى ئۇغلى» شاھىرىنىڭ «ئانە دىل» دىلى غۇشغۇسىدى.

شۇل دۈۋۈردە، مازىندران ولايتىنىڭ نىكا شەھرىدە، بىز بىلەن، بىر ئاپتۇندا ياشايان تۆركىم
 غۇشنىما، كۆمەت شەھرىدىن، ئوسساد مەنصورىنىڭ بىر تاننىشى مۇخىم بۇلۇپ كېلىپتى
 ھەم دە ئوسسادىن كۆرۈنگەن كېلىپتى، مەن دە مۇناسىپ پۇرسەت دىيىپ، بىر ئاچە غۇشنىمى
 سايلاپ، ئوسساد دۇغانمىزنىڭ ئاھالىنى غۇشنىم باردا بىلىم ئاچىپ، يانگىلى كەل مۇخىمىدىن،
 كۆمەت شەھرىدە يۇللادىم. ئۆچ كۆن كېچىدىن سۇنكرا، كېچىدىن مۇخىم، جانگ ادەپ ئوسسادىنىڭ
 ئال تېلپۇن ھەم ئۇ تېلپۇن بىلگىلىرىنى بىرىپ، غۇشغۇلارنىمىم دا غۇشوراندەننىمىم كېلىپتى. ھەي،
 كۆك تېلپۇن ئارقىلىق، ئوسساد دۇغانمىز بىلەن تاننىش بۇلۇپ، غۇشغۇلارنىمىم ھەققىدە، ئاھالىنى
 سۇرادىم. ئوسساد ۴ سانى غۇشنىمىم سايلاپ، دۆڭكۆن تەيدان كەلپىلەرنىمىم ساندەپ، مەنمە ئىسلىگە
 بىلدۈرۈپ، دىنگەلەپ يانگىشلاشنىمىم، قاندا كېچىرىمەن. شۇل كۆنلەردىن كېلەك، ئوسساد تېرىمىم
 ئاتام بۇلۇپ، ئۆز بار كەلگەندە بىلىملىرىمىم، غۇشغۇلارنىمىم، غۇشنى دۆڭكۆنلەرنىمىم مانگا كۆرۈپتى.
 ھەي، ئاھالىنىمىم يازماق ھەي، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق،
 يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق، يازماق،
 قۇۋەت بىر ياردەم. دىنگە غۇشنىمىم يازماق، ئوغرىدا، ئانە دە ئىسەم دىسەن يازماقنىمىم دا مانگا كەل ئاتام
 دۇرۇپتى.

ھەم دە تۆركىم دىلىنىڭ تازە يازوۋىنى ھەم لاتىنچا يازماقنىمىم ئوسسادىنىڭ ئارقىسى بىلەن تاننىش
 بۇلدۇم.

مەنە تېرىم

مازىندران - بەھشەر - ۱۴۰۰

بیوگرافی شاعر:

بانو آمنه طریک شاعری از تورکمنصحرای ایران:

شاعر بانو آمنه طریک، فرزند مرحوم قلیچ پهلوان (از پهلوانان صاحب نام کشتی سنتی تورکمن) در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی، در تورکمنصحرا، استان گلستان، شهر سیمین شهر، در محله‌ی غارغی بدینیا آمد. دوران ابتدایی و راهنمایی را در مدارس غارغی و اومچالی گذراند. دوران دبیرستان را در دبیرستان‌های شهر نکا در استان مازندران ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم گردید. سپس با تلاش فراوان موفق به اخذ مدرک کارشناسی (لیسانس) در رشته‌ی روانشناسی از دانشگاه شد. وی اکنون مشغول تدریس قواعد زبان تورکمنی به علاقه‌مندان این زبان می‌باشد.

آمنه از همان دوران نوجوانی با تشویق پدرش که از دوستداران شعر و ادبیات بود، به ادبیات تورکمن علاقه‌مند شده و سرودن شعر را آغاز می‌نماید. وی با استعداد و توانایی که در خود احساس نموده، برای حفظ زبان تورکمنی تلاش می‌کند. او هرچند که از تورکمنصحرا دور است و در استان دیگری زندگی می‌کند، اما خاک زیبای صحرا با هستی‌اش گره خورده و به اشعارش زیبایی خاص داده است. او در سرزمینش ایران، همیشه افتخار می‌کند که یک تورکمن است و می‌داند که زبان مادربیش اصیل بوده و از نظر تاریخی و فرهنگی اصالت داشته و بسیار غنی می‌باشد. او مدام به زنان و دختران تورکمن با تأکید می‌گوید که به عنوان یک مادر، حفظ زبان تورکمنی وظیفه ماست و باید در حفظ آن کوشا باشیم. آمنه تا این تاریخ، چندین شعر به زبان تورکمنی سروده و به جامعه هدیه نموده است. تعدادی از اشعار وی نیز توسط برخی از خوانندگان تورکمن، بصورت ترانه اجرا گردید. موضوعات اشعار وی بیشتر در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است. زنان و دختران را تشویق می‌کند که در زمینه‌های علمی و فرهنگی بیشتر فعال باشند و در جامعه پا به پای مردان گام بردارند، و عظمت و زیبایی صحرای تورکمن را برای دختران و پسران تورکمن، به خوبی توصیف می‌کند. شاعر آمنه طریک در زمینه‌ی داستان نویسی نیز قلم فرسایی می‌نماید و صحرای تورکمن را به تصویر می‌کشد. همچنین در جهت آرایه‌ی آثار خود در جامعه، اقدام به چاپ دو اثر در زمینه‌های شعر و داستان نمود، تا از خود به یادگار بگذارد. این آثار عبارتند از:

۱- مینگ او بامنگ غزلاری. (این اثر شامل اشعار شاعر می‌باشد).

۲- عاشق بۆرگوت و سۆلگۆن غزل ديسانئ (داستانی که نثر و منظوم است).

شاعر آمنه طریک عضو انجمن شعر و ادب تورکمنی میراث گنبدکاوس نیز می‌باشد. او می‌گوید در سرودن اشعار و داستان، از شاعر و نویسنده‌ی تورکمنصحرا و مسئول انجمن شعر تورکمنی میراث، منصور طبری الهام می‌گیرد و او را استاد خود می‌داند. شاعر منصور طبری، نام و تخلص ادبی «تورکمن غزئی» را به این شاعر گرانقدر اختصاص داده و برای وی آرزوی موفقیت دارد. شاعر آمنه طریک هم اکنون به همراه همسر و دو فرزندش در استان مازندران، در شهر بهشهر زندگی می‌نماید. برای این شاعر گرامی تورکمن، آرزوی توفیق روز افزون جهت آرایه‌ی آثار بیشتر و همچنین برای وی و خانواده محترمشان، آرزوی سلامتی و شادمانی داریم.

شاهىرانىنگ بيوگرافىيىسى:

ايران توركىمىنلىرىنىڭ شاھىرانىسى: شاھىرا آمىنە ترىك نىنگ دورموش تارىخىنىڭ يازغىسى:

آمىنە ترىك ۱۳۵۲-نجى ھىجرى شىمسى يىلىنىدا، ھونار سۇپىر ماشغالا سىنىدا، توركىمىن سىھرادا بىرلىشپان، گۆلۆستان ولايتىنىدە، شو واغىتقى سىمىن شىھر آندىداق شىھرىنگ، غارغى بۆلگىنىدە دۇنيا آينىار. آتاسى مرحوم «غىلنچ پالوان» سىھرامىزىنگ آدى بىللى اولى پالوانلارنىڭ ھىم-دە آيدىم-ساز و ادبىيات سۇپىر انسانلارنىڭ بىرىدى. آمىنە ترىك باشلانغىچ اوقۇو-بىلىملىرىنى غارغى و اومچالى مەكەپلىرىدە اوقىيار، سۇنگرا اورتا مەكەپ كلاسلىرىنى، مازندران ولايتىنىدە، نىكا شىھرىنداكى اورتا مەكەپىنىدە انزالاپ، دىپلومىنى آليار. اونسۇنگ اوقۇو اوغوردا كۆپ آلادا دىپ يۇقارنى اوقۇو جايىندا اوقۇوسىنى غوتارنىپ، پىسخولوگىيا (روانىشاسى) پوداغىنىدا، يۇقارنى بىلىم درجەسىنە ايه بۇليار. حاضىركى واغىتدا توركىم دىلىنىڭ اوقۇوچىلارنى، توركىم دىل قادالارنى اۋوردىار.

آمىنە ۹ ياشىنىدا بىلاك، آتاسىنىدا توركىم غۇشى كىتاپلارنىڭ اوقۇماغىنى اۋوردىار. شاھىرا اۋز ياشلىنىدىغان، توركىم ادبىياتىنى انقجام بۇلۇپ، غۇشى غۇشماغا باشلايار. اوقۇپلى و دىھىنلى شاھىرا، اۋز انە دىلىنى غۇراماق اۋچىن آلادا دىيار. آمىنە توركىمىن سىھرادان داش ياشاسا دا المىداما سىھرانىڭ گۆزلى تۇپراغى بۆركىنە سىنگىپ، غۇشغولارنى بىزەيدىر. توركىمىن سىھرانىڭ بىيىكلىكىگە و توركىم دىلىنىڭ سۆز بايلىقىدا ھووانىپ، سىھرانىڭ گۆركانا و گۆزلىكلىرىنى، توركىم گلىن-غىزلارنى و بىيىكتىرىنە نىغىتاپ آيدىار. شو تارىخا چىلى-دە انچمە غۇشغولارنى دۇردىپ اۋز ايلىنە ھۇدۇرلىدى. اۋتونىڭ غۇشغولارنىڭ ماضىمۇنى، كۆپلىك كۆپچىلىگە دىگىشلىدىر. بو شاھىرانىڭ نأچە غۇشغوسى-دا آيدىم بۇلۇپ، ايل آراسىنىدا ياپىراندىر.

ھىم-دە آمىنە شاھىرا، توركىم دىسانلارنى يازماق اۋچىن، ادبىيات مىدانىدا، اۋز غلامىنى سىن دىپ، ادىم آديار. پاىخاسلى شاھىرا آمىنە ترىك، اۋز اثرلىرىنى ايل آراسىنىدا ياپىراتماق اۋچىن، اۋز انە دىلىنە سايىپ، ايكى سانى كىتابىنى غۇشى و دىسان ماضىمۇنلارنى بىلن، تاييارلىق كۆرۈپ، چاپدان چىقاردى:

۱- مىنگ اوبامىنگ غىزلارنى. (بو اثرىدە بۆرىتە، غۇشغولارنى چاپ بۇلدى).

۲- عاشىق بۆرگۆت و سۆلگۆن غىز دىسانى.

شاھىرا آمىنە ترىك كۆممىدىنگ مىرات آندىداق توركىم غۇشى و ادبىيات اۋچاغىنىڭ آغزاسىدىن. اۋل غۇشى ھىم ادبىيات مىدانىدا، مىرات اۋچاغىنىڭ يۇلباشچىسى، شاھىر و يازىچى منصور طبرىدىن اىلخام آلىپ، اۋنى اۋز اوسىدادى حاساپلايار، شاھىر منصور طبرى، «توركىم غىزى» آندىداق ادبى لاقامىنى، آمىنە شاھىرانىڭ آدنىدا حاسلاپ، آلىپ بارىان يۇلۇندا، اۋستونلىك آرزو دىيار. بو گۆن بۇلسا، شاھىرا آمىنە ترىك اۋز يان يۇلداشى و ايكى سانى اۋغلى بىلن، مازندران ولايتىنىڭ بىھشەر آندىداق شىھرىدە ياشايار. المىداما غلامى يىتى، جانى ساغ و باشى دىك بۇلسون و اىچرى ماشغالا سىنىدا ساغلىق آرزو دىيارىس.

نشىرىياتچى